



نوشته از محترم دستگیر صادقی

## روز جهانی کودک و زندگی فلاکت‌ناز کودکان افغان

در کشور ما افغانستان، همه ساله از اول جون مطابق یازدهم جوزا به عنوان روز جهانی کودک بزرگداشت به عمل می‌آید. این روز را کودکان جهان به شیوه‌های گوناگون و با در نظر داشت سطح رشد و انکشاف آن جوامع برگزار می‌کنند؛ ولی در هر صورت این کودکان است که می‌بایست در این روز مورد توجه بیشتر قرار گیرند و دشواری‌های زندگانی آنها به نحوی به بررسی گرفته شوند.

کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مختلف، در تقویم شان روزهای متفاوتی را به عنوان روز کودک اعلام کرده‌اند و آن را جشن می‌گیرند. سازمان ملل متحد، بیستم نوامبر را روز جهانی کودک اعلام کرده است. مجمع عمومی سازمان ملل در چنین روزی در سال 1959 اعلامیه حقوق کودک و در سال 1989 نیز کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد. روز اول جون هم در سال 1949 در نشست اتحادیه بین‌المللی دموکراتیک زنان در پاریس به عنوان روز کودک اعلام شد و در بسیاری از کشورها و از جمله افغانستان این روز به عنوان روز کودک تعیین گردیده و از آن تجلیل به عمل می‌آورند.

پیمان نامه حقوق کودک، یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. دولتهایی که این معاهده را امضا کرده‌اند، موظف به اجرای آن هستند و شکایت‌های راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم داده می‌شوند. این کنوانسیون در 30 نومبر 1989 مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از تاریخ سوم سپتمبر 1990 لازم الاجرا شده است. تا کنون 193 کشور این سند را امضا کرده‌اند و در 140 کشور در عمل اجرا می‌گردد و به این ترتیب، مقبولترین سند حقوق بشر در تاریخ به شمار می‌رود.

کودک بر اساس ماده یک پیمان نامه حقوق کودک به هر انسان کمتر از 18 سال گفته می شود؛ مگر آن که قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد. این کنوانسیون شامل 54 ماده و دو پروتوکول اختیاری بوده که اصول چهارگانه زیرین، آن را سمت و سو می دهد:

- هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.
- زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم گیرین می شود، باید منافع عالیه آنان در راس قرار گیرد.
- کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند.
- کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خویش را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آنها مربوط می شود، باید مورد توجه قرار گیرد.

در یازدهم دسمبر سال 1946 بعد از جنگ جهانی دوم، مجمع عمومی سازمان ملل به منظور حمایت از کودکان، سازمانی را به نام یونیسف UNICEF ایجاد کرد که نخست «انجمن بین المللی ویژه کودکان سازمان ملل» نام گرفت. در سال 1953، یونیسف به یک بخش دائمی در سازمان ملل متحد مبدل گردید و بصورت اختصاصی در زمینه کودکان و مادران به فعالیت خویش آغاز نمود. این سازمان یا صندوق اضطراری ملل متحد برای کودکان، کمکها و مساعدت های دراز مدت بشری و انکشافی را برای اطفال و مادران شان در کشور های رو به انکشاف فراهم می سازد.

سازمان بین المللی کار ILO، از سال 2002 بر گستره جهانی کار کودک و اقدامات و تلاشهای مورد نیاز برای محو آن تمرکز کرد. بر همین اساس در همان سال روز دوازدهم جون به عنوان روز جهانی مقابله با کار کودک اعلام شد که مستلزم همکاری دولت ها، کارفرمایان و سازمانهای کار، جامعه مدنی و ملیون ها انسان از سراسر جهان است تا بتوان به این وسیله اقدام موثری را برای کمک و یاری رسانی به کارگران کودک فراهم گرداند.

در نظام بین المللی "کار کودک" را چنین تعریف نموده اند: کار کودک به معنی کاری است که کودکان، زیر حد اقل سن قانونی معین، برای انجام آن، کار نمایند و یا به دلیل ماهیت یا شرایط خاص، آن کار برای کودکان غیر قابل پذیرش و ممنوع باشد.

امروز در سراسر جهان، 215 ملیون کودک کار یا کارگران کودک، شناسایی شده است که بسیاری از آنها به کار تمام وقت اشتغال دارند. این کودکان مدرسه نمی روند و وقت کمی برای بازی دارند و یا اصلا چنین وقتی ندارند. این کودکان از تغذیه و مراقبت مقتضی برخوردار نیستند و در کل از امکان و فرصت کودک بودن محروم هستند. بیش از نیمی از این کودکان، در معرض فعالیت های غیر قانونی مانند قاچاق مواد مخدر و فحشاء و نیز مشارکت در مخاصمات مسلحانه قرار دارند.

در جهان، تعداد زیادی از کودکان در مشاغل خانگی بدون مزد یا با مزد در خانه فرد ثالث یا کارفرما مشغول هستند. این کودکان نسبت به استثمار بسیار آسیب پذیر هستند. کار آنها اغلب از نگاه جامعه مخفی است. احتمال دارد همچو کودکان منزوی شوند و آنها در موارد بسیاری جدا از خانه و خانواده خود به سر می برند. موارد اذیت و آزار کودکان در کار خانگی واقعیت تلخی است که متأسفانه رواج فراوان دارد.

برخی از مهم‌ترین اقدامات سازمان بین‌المللی کار در زمینه مقابله با کار کودک عبارتند از :

- تلاش برای تصویب جهانی کنوانسیون‌های این سازمان در زمینه کار کودک.
  - تضمین تمرکز جدید بر راهبردها و برنامه‌های ملی برای ارتقای رویکردی جامع در زمینه اصول و حقوق بنیادی کار.
  - توسعه زمینه‌های مبارزه با عوامل ریشه‌ای کار کودک.
  - تثبیت حداقل سن پذیرش برای استخدام و تعیین سن آموزش اجباری.
  - توسعه امنیت و سلامت محیط کار برای همه کارگران، از لحاظ اقدامات حفاظتی ویژه برای کودکان در سنین میان حداقل سن استخدام و سن 18 سال و ارائه فهرست جامعی از کارهای خطرناک برای کودکان.
  - ارتقا و توسعه عملکرد نهادها و مکانیزم‌های نظارتی (مانند دادگاه‌ها، ادارات پلیس و غیره) بر اعمال مؤثر حقوق بنیادی در محیط کار از جمله حمایت علیه کار کودک.
  - توسعه مستمر مشارکت راهبردی و فعال در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی و ارتقای جنبش جهانی علیه کار کودک.
  - توسعه و انتقال روشهای مطلوب که واجد نتایج پایدار بوده‌اند.
- حالا باید به برخی از امارات کلیدی که از جانب یونیسف در تازه‌ترین نشریه آن موسسه بین‌المللی به نشر رسیده است، مکتب نماییم:
- همه روزه شانزده هزار کودک از اثر قضایای قابل پیشگیری و معالجه می‌میرند.
  - تولد دست کم 230 میلیون کودک کمتر از پنج سال هیچگاه ثبت نمی‌گردد و آنها از حق نام و ملیت تثبیت شده محروم می‌گردند.
  - 2.4 بلیون نفر از دسترسی به سنیتیشن محروم‌اند و از آن جمله 946 میلیون نفر مجبور‌اند در فضای آزاد رفع حاجت کنند.

- بصورت تخمین 35 میلیون نفر به اچ ای وی HIV سردچار اند و بیش از دو میلیون آن بین ده تا نوزده سال عمر دارند و پنجاه و شش در صد آنان دختران اند.
- در سطح جهانی رویه‌رفته یک بر سوم زنان به عمر بیست تا بیست و چهار سال در طفولیت ازدواج نموده و دارای طفل شده اند.
- در هر ده دقیقه در هر گوشه ی جهان یک کودک به اثر خشونت می میرد.
- نزدیک به نصف مرگ اطفال زیر سن پنج سال ناشی از سوء تغذیه است. این رقم نشان دهنده مرگ سه میلیون کودک در سال را می رساند.

یونیسف اعلام داشته، که تنها با اختصاص 5 دلار برای هر کودک می‌توان جان نود در صد از کودکانی را که سالانه می‌میرند نجات داد و برای بهبودی چشمگیر زندگانی کودکان جهان سوم کافی است که همان مبلغ در یک سال خرج شود و این مبلغ تنها معادل بودجه 6 هفته‌یی تسلیحاتی جهان است.

وضعیت در کشور فلاکت زده ما که از امراض مزمنی به شمول استبداد ریشه دار و تاریخی حاکم، جهل، خرافات و فقر جان سوز رنج می برد و کم و بیش چهل سال جنگ خانمانسوز تحمیلی را که تمام نهادهای اجتماعی، مدنی و فرهنگی آن را دگرگون ساخته، بطور کامل بگونه دیگر است و در پایانترین سطح شاخصهای ارایه شده موسسات بین المللی قرار می گیرد. در طی این سالها خانواده ها با اطفال شان در زیر آتش جنگ سوخته و یا ناگز شده اند مناطق زندگی خود را به اجبار ترک بگویند، آواره و سرگردان شوند، تمام تأمینات اولیه زندگی خود را از دست بدهند و عزیزان شان را در زیر آتش جنگ تنظیم های جهادی ظاهرا متخاصم، ولی مزدور اربابان منطقه یی و جهانی، به خون خفته ببینند. ده ها و صدها هزار کودک آواره و بی جا شده هم وطن بدون کوچکترین حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی، در طوفان مداهش ناملایمات زندگی در داخل و خارج کشور می لولند. کودکانی که در حقیقت هیچگاه "دوران کودکی" نداشته اند و به مجرد سر بلند نمودن، نان آور خانه شده اند. این کودکان با تمام مشقت و خواری و به شکل ظالمانه در کوره های خشت پزی، کارگاه های قالبین بافی، نجاری، ریخته گری، موتر شویی، جمع آوری فاضله ها و حمالی، کار در مزارع کوکنار و جمع آوری شیره تریاک، بمانند یک برده قرون وسطایی کار می نمایند و بالاخر از روی ناچاری با گدایی روز می گذرانند، و در زیر این ستم شمار زیادی از آنان معتاد به مواد مخدر شده اند.

برای اساس گزارش رادیو دویچه ویلی، محمد بلال صدیقی یکی از مسوولان بخش حقوق کودک در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، وضعیت کودکان در افغانستان را «درد آور» می خواند و می گوید که هم اکنون پنج میلیون کودک در افغانستان به حق اساسی بشری خود که عبارت از حق آموزش است دسترسی ندارند. صدیقی می گوید: "تعلیم و تربیه یکی از حقوق اساسی برای رشد شخصیت یک کودک است که با تاسف این

کودکان به دلیل نا امنی، فقر، بی توجهی والدین و ضعف حاکمیت قانون از این حق مسلم محروم اند." این مسوول کمیسیون حقوق بشر می گوید که بر اساس تحقیقی که از سوی این نهاد انجام شده، در حدود شصت در صد کودکان افغان مصروف کار هستند. او می گوید چوپانی، دهقانی و دست فروشی کار های اند که این کودکان انجام می دهند و هشت درصد کودکان افغان برای ادای قروض والدین شان به کار مشغول اند. با آنچه گفته شد، این روز را برای این کودکان عزیز هموطنم که زندگی فلاکتباری را می گذرانند چگونه باید شادباش گفت؟ و آیا آنان چنین روزی را اصلا می شناسند؟

با مروری کوتاه بر کنوانسیون یا پیمان نامه حقوق کودک و برنامه های موسسات بین المللی در ارتباط به کودکان و با در نظر داشت وضعیت فلاکتبار آنان در کشور های جنگ زده همچون افغانستان، باید متذکر شد که: کودکان سرمایه آینده جامعه بشری را می سازند و آنان برای رشد و بالندگی خود، نیاز ها و در مفهوم دقیق تر حقوقی دارند که باید به درستی به آن پرداخت. برای رسیدن به این حقوق و بالندگی شخصیت کودک بیش از همه نقش خانواده و سپس جامعه برجسته می گردد و البته بدون کمکها و مساعدتهای بی دریغ جامعه جهانی و سازمان های بین المللی نمی توان از نه شگفتن این گلهای آرزو که بی رحمانه پرپر می شوند، جلوگیری نمود. باید جهان کودکان را با همه تنوع و شادی هایش درک کرد و برای ورود به این جهان آمادگی داشت. در حالی که هزینه های غیر قابل تصویری صرف تولید انواع سلاح های هسته ای و غیر هسته ای می شود، کودکان بسیاری از گرسنگی، عدم امکانات بهداشتی، سوء تغذیه و ده ها عامل قابل کنترل و رفع شدنی می میرند. باید تکرار نمود که: با اختصاص 5 دلار برای هر کودک می توان جان نود در صد از کودکانی را که سالانه می میرند نجات داد و برای بهبودی چشمگیر زندگی کودکان جهان سوم کافی است که همان مبلغ در یک سال خرج شود و این مبلغ تنها معادل بودجه 6 هفته تسلیحات جهان است.

به امید آن روزی که تمام کودکان جهان واقعا از حق زندگی، سلامتی، مسکن، آموزش و پرورش و فضای مصون و سالم زندگی برخوردار گردند. صرف با طرح کنوانسیون ها، برنامه ها و تدویر جلسه ها و برپایی روزهای معین نمی توان صدها میلیون کودک این کره را که سخت از "محرومیت" به معنی واقعی این کلمه رنج می برند، نجات داد.

دستگیر صادقی

28 می 2016

در این جستار از منابع یونیسف و سازمان بین المللی کار استفاده شده است.